

پانیوم — عدد ہشت

تیسری سطر کا اجمالی جائزہ

Jeff Pippenger

2025-03-17

سلوقس الثالث کیراونوس، حکم مدۃً وجیزۃً ملکہاً من سنة 226 إلى 223 ق.م. قبل أن یُغتال أو یموت في ظروف غامضة. وكان سلوقس الثالث السلف المباشر لأنطيوخس الثالث. ويمثل الأخوان «الابنین» المذكورین في الآیة العاشرة، وهما یمثلان ریغان وبوش في عام 1989.

اما پسران او برانگیخته خواهند شد، و انبوهی از نیروهای عظیم را گرد خواهند آورد؛ و یکی از آنان یقیناً خواهد آمد، و سرازیر شده، عبور خواهد کرد؛ سپس بازخواهد گشت، و تا قلعه او برانگیخته خواهد شد. دانیال ۱۱:۱۰.

آیت دهم سطر سوم است و «زمان آخر» را در سال ۱۹۸۹ نمایندگی می‌کند. این آیت با آیت چهل باب یازدهم و اشعیا ۸:۸ به هم پیوند می‌خورد. ارتباط این سه آیت نشان می‌دهد که آیت یازدهم بیانگر جنگ کنونی اوکراین است، که در آن پوتین و زلنسکی خصمان بازنمایی‌شده در نبرد رافیا هستند که در آیت یازدهم مطرح شده است. آیت دوازدهم پیامدهای جنگ اوکراین و سرنوشت پوتین را مشخص می‌کند. آیات سیزدهم تا پانزدهم نبرد پانیوم است.

موضوع آیت دهم «زمان آخر» است، و مطابق با اصول مربوط به گشوده شدن حقیقت در «زمان آخر»، این آیت، هرچند تنها یک آیت است، دربردارنده کثرتی از خطوط نبوی مطرح شده می‌باشد. آیت دهم آغاز تاریخ پنهان آیت چهل را مشخص می‌سازد، که سرآغاز حرکت فرشته سوم و مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را نشان می‌دهد.

آیه، هفت زمان لاویان بیست‌وشش را—چنان‌که در رؤیایی که از اشعیا فصل هفت آغاز می‌شود شناخته شده‌اند—به یکدیگر مرتبط می‌سازد. این ارتباط، نشانگر پیوند الوهیت با انسانیت است، که همان به کمال رسیدن سر دینداری در هنگام به صدا درآمدن شیپور هفتم است؛ شیپوری که سومین وای اسلام است.

به آیت 1989 کو وقت آخر کے طور پر نشان زد کرتی ہے، اور احبار چھبیس کے "سات زمانوں" کے تعلق کے ساتھ، یہ ولیم ملر کی بنیادی سچائی اور 1863 کی بغاوت کو بھی شامل کرتی ہے۔ یہ آیت چالیسویں آیت کی پوشیدہ تاریخ کا آغاز کرتی ہے۔ لہذا یہ اُس بڑھتے ہوئے علم کا ایک لازمی جزو ہے جو 1989 میں وقت آخر پر پہنچتا ہے، اور چالیسویں آیت کی پوشیدہ تاریخ کو تشکیل دینے والے بیرونی واقعات کی نبوی تمثیل کا آغاز کرتا ہے، اور "سات زمانوں" کے ساتھ اپنے تعلق کے ذریعے 1989 اور اتوار کے قانون کے درمیان کی تاریخ میں داخلی واقعات کی بھی نشان دہی کرتا ہے۔

عدد ده نمادِ آزمون است، و پیوندِ این آیات با رؤیای اشعیا هفت بر فهم حقیقت تأکید می‌نهد.

زیرا سر آرام، دمشق است، و سر دمشق، رصین؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم چنان شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم، سامره است، و سر سامره، پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، هرآینه استوار نخواهید شد. اشعیا ۷:۸، ۹

اگر ایمان نداشته باشید که «سر» نمایانگر یک شهر پایتخت (سامره و دمشق) و یک پادشاه (رصین و قحج، پسر رملیا) است، استوار نخواهید شد. اگر آن سه نمادِ قابل‌جایگزینی را در بافت اشعیا، باب

ہشت، آیہ ہشت، (کہ همان رؤیای باب هفت است) درک نکنید، آنگاه نخواهید توانست پوتین و روسیه را در آیات یازده تا پانزده به عنوان پادشاه جنوب شناسایی کنید.

پس اکنون، اینک خداوند آب های نهر را، نیرومند و فراوان، یعنی پادشاه آشور و تمامی جلال او را، بر ایشان می آورد؛ و او بر تمامی مجاری خود برخواهد آمد و از همه کرانه های خویش خواهد گذشت. و از یهودا عبور خواهد کرد؛ طغیان کرده، سرریز خواهد شد؛ تا گردن خواهد رسید؛ و گستردگی بال های او پهنای سرزمین تو را پر خواهد کرد، ای عمانوئیل. اشعیا 8:7، 8

موضوع آیت دهم یک سه مرحله آزمائشی عملی جو زمانه آخر میں شروع ہوتا ہے اور اتوار کے قانون پر مہلت آزمائش کے اختتام تک پہنچتا ہے۔

اور اُس نے کہا، اے دانی ایل، تُو اپنی راہ لے، کیونکہ یہ باتیں آخر زمانہ تک بند اور مہر کی ہوئی رہیں گی۔ بہتیرے پاک کیے جائیں گے، اور صاف اور آزمائے جائیں گے؛ لیکن شریر شریرانہ کام کریں گے، اور شریروں میں سے کوئی نہ سمجھے گا؛ مگر دانا سمجھیں گے۔ دانی ایل 12:9، 10.

در «زمان پایان»، کتاب دانیال «گشوده» می شود و فرایند آزمونی سه مرحله ای، چنان که با عبارت «تطهیر شوند، سفید گردند، و آزموده شوند» بازنمایی شده است، آغاز می گردد. «حکیمان» درمی یابند، اما «شریران» در نمی یابند. نداشتن فهم از سوی آنان، همان گونه که نداشتن روغن در مثل ده باکره، سبب هلاکت ایشان می شود.

Մարդիկս կորչում են գիտության պակասից. որովհետև դու մերժեցիր գիտությունը, ես ևս կմերժեմ քեզ, որպեսզի ինձ համար քահանա չլինես. քանի որ մոռացար քո Աստծու օրենքը, ես ևս կմոռանամ քո որդիներին: Ովտե 4:6:

الفاظ «میری قوم» سے مراد ایک عہدی قوم ہے، اور یہ عہدی قوم «علم کی کمی» کے سبب رد کی جائے گی اور ہلاک کی جائے گی۔ ریاستہائے متحدہ میں اتوار کے قانون وہ نشانی راہ ہے جہاں باتیں یا تو فراموش کی جاتی ہیں یا یاد رکھی جاتی ہیں۔ «یاد رکھ سبت کے دن کو» اُس مقام پر موجودہ حق ہے۔ وہیں صور کی فاحشہ یاد کی جاتی ہے۔ وہیں مکاشفہ میں خدا بابل کے گناہوں کو یاد کرتا ہے۔

.Y escuché otra voz del cielo, que decía: Salid de ella, pueblo mío, para que no seáis partícipes de sus pecados ni recibáis de sus plagas. Porque sus pecados han llegado hasta el cielo, y Dios se ha acordado de sus iniquidades. Dadle tal como ella os ha dado, y devolvedle el doble según sus obras; en el cáliz en que ella preparó bebida, preparadle el doble. Apocalipsis 18:4-6

در همان جاست که فرزندان، یا آخرین نسل نبوی ادونتیسیم لائودیکیه، منقطع می گردند. در همان جاست که کسانی که دانیال ایشان را «شریران» می خواند، آشکار می سازند که شریعت خدا را «فراموش کرده بودند»؛ و بخشی از شریعت خدا که آن را فراموش کرده بودند، قواعد یا قوانین نبوی خداست. سیاق کلام به روشنی این است که ایشان از آن «معرفت» بی بهره اند که با گشوده شدن مهر از کتاب دانیال افزون می شود. دانیال «حکیمان» را با «شریران» در تقابل می نهد، و عیسی «باکره های دانا» را با «باکره های نادان». عاموس همان طبقه را به عنوان «باکره های زیبا» معرفی می کند؛ کسانی که از یافتن پیام نبوی ممثل به مشرق، شمال و دریاها ناتوان اند.

vin zile”, zice Domnul Dumnezeu, „când voi trimite foamete în țară, nu 8:11-14,, foamete de pâine, nici sete de apă, ci de auzire a cuvintelor Domnului. Vor pribezi de la o mare la alta și de la miazănoapte până la răsărit; vor alerga încoace și încolo ca să caute cuvântul Domnului, și nu-l vor găsi. În ziua aceea, fecioarele frumoase și tinerii

vor leșina de sete. Cei ce jură pe păcatul Samariei și zic: «Viu este dumnezeul tău, Dane!» și: «Vie este calea Beer-Șebeil!», aceia vor cădea și nu se vor mai ridica niciodată.” Amos 8:11-14,,

پیامی که آنان نمی‌توانند بیایند، در همان جایی که در پی آن می‌گردند، نمود یافته است، زیرا «از دریایی تا دریای دیگر، و از شمال حتی تا مشرق» سرگردان می‌شوند. عاموس می‌گوید این «دوشیزگان زیبا» در «قحطی» شنیدن «کلام خداوند» به سر می‌برند، و اینکه «در آن روز برای جست‌وجوی کلام خداوند این سو و آن سو خواهند دوید، اما آن را نخواهند یافت.» پیامی که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، در تحقق آیه چهل و نیز آیه دهم از باب یازدهم، از کتاب دانیال مهرگشایی شد، در دو آیه پایانی باب یازدهم خلاصه شده است.

اما خبرهایی از مشرق و از شمال او را پریشان خواهد ساخت؛ از این‌رو با خشم عظیم بیرون خواهد رفت تا بسیاری را هلاک کند و به‌کلی از میان بردارد. و خیمه‌های قصر خویش را میان دریاها بر کوه مقدس جلال برپا خواهد کرد؛ با این‌همه، به فرجام خود خواهد رسید و هیچ‌کس یاری‌اش نخواهد کرد. دانیال ۱۱:۴۴، ۴۵

باکره‌های جاهل، زیبا و شریری که فاقد روغن‌اند، یعنی پیام مشرق و شمال و دریاها، که معرفت و عهد و شریعت خدا را رد کردند، در هنگام قانون یکشنبه از سوی خدا به یاد آورده می‌شوند. در آیات ده تا پانزده، سه نبرد به تصویر کشیده شده است. من این سه نبرد را به سه تاریخچه جدا می‌کنم، اما هنگامی که با هم در نظر گرفته شوند، یک خط نیز هستند، زیرا آیه ده «زمان آخر» را می‌گشاید و از این‌رو فرایندی سه‌مرحله‌ای از آزمون را آغاز می‌کند.

آیه دهم با «هفت زمان» در لایوان بیست‌وشش مرتبط است و بنابراین با بنیادهای ادونتیسیم و کار ویلیام میلر پیوند دارد. گام دوم از سه گام، آزمونی بصری است که هنگامی آغاز شد که نور آیه یازدهم و جنگ اوکراین آشکار گردید. آزمون دوم بصری است و نمایانگر آزمونی درباره توانایی ما برای تشخیص رویدادهای جاری در پرتو کلام نبوی خداست. آزمون سوم، نبرد پانیوم در آیه پانزدهم است، جایی که نام شمعون بریونا به پطرس تغییر یافت، و بدین‌سان مهر شدن یکصد و چهل‌وچهار هزار تن را درست پیش از بسته شدن مهلت توبه در قانون یکشنبه آیه شانزدهم مشخص ساخت.

هنگامی که ظهور انطیوخوس مگنوس را در هر یک از سه نبردی که در آیات ده، یازده و پانزده به تصویر کشیده شده‌اند در نظر می‌گیریم، همچنین در تاریخ آیات نه تا شانزده، صعود و سقوط نبی کاذب نبوت کتاب مقدسی را نیز مشاهده می‌کنیم.

آیات یک تا چهار، ظهور و سقوط قدرت اژدها را مشخص می‌کنند. آیات نه و ده، به ترتیب سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹ را مشخص می‌سازند و بدین‌سان، آیات نه تا شانزده، ظهور و سقوط نبی کاذب را مشخص می‌کنند. آیات چهل تا چهل‌وپنج، نمایانگر ظهور و سقوط وحش هستند. آیات نه و ده همچنین با دو «زمان آخر» در آیه چهل، یعنی در سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹، هم‌راستا هستند.

خواهر وایت به‌روشنی ما را آگاه می‌سازد که بدفهمیدن «زمان آخر» موجب سردرگمی در این می‌شود که نبوت‌ها را در کجا باید به‌کار برد.

«بسیاری امروز نیز، در سال ۱۸۹۷، همان کار را انجام می‌دهند، زیرا در پیام آزمون‌کننده‌ای که در پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم دربرگرفته شده است، تجربه‌ای نداشته‌اند. کسانی هستند که برای اثبات این‌که این پیام‌ها هنوز در آینده‌اند، در کتب مقدس به جست‌وجو می‌پردازند. آنان شواهد حقانیت این پیام‌ها را گرد می‌آورند، اما از دادن جایگاه درست آن‌ها در تاریخ نبوی باز می‌مانند. از این‌رو، چنین کسانی در خطر آن‌اند که مردم را در باب تعیین جایگاه این پیام‌ها به

گمراهی بکشاند. آنان زمان آخر را نمی‌بینند و در نمی‌یابند، و نیز نمی‌دانند که این پیام‌ها را در چه زمانی باید جای داد. روز خدا با گام‌هایی پنهان‌کارانه در راه است، اما مردان به اصطلاح حکیم و بزرگ درباره «آموزش عالی» یاوه‌سرایی می‌کنند؛ آموزشی که گمان می‌برند از انسان‌های فانی سرچشمه می‌گیرد. آنان نه نشانه‌های آمدن مسیح را می‌شناسند، و نه نشانه‌های پایان جهان را.» مواظ و گفتارها، جلد ۱، ص. ۲۹۰.

موضوع آیت دهم «وقت آخر» است، و در باب یازدهم چندین «اوقات آخر» مشخص شده‌اند. اگر شما در باب یازدهم «اوقات آخر» را «نبینید و درک نکنید»، نخواهید دانست که چه هنگام «پیام‌ها را جای دهید». او می‌گوید: «کسانی هستند که در کتب مقدس جست‌وجو می‌کنند»، و همانند همه انبیا، سخنان او متوجه ایام آخر است؛ پس در ایام آخر، کسانی که او بدانان اشاره می‌کند، گروهی هستند که وقت آخر را درک نمی‌کنند؛ بنابراین آنان همچنین همان «دوشیزگان زیبا»ی عاموس‌اند که سقوط می‌کنند و هرگز دوباره بر نمی‌خیزند.

در باب یازدهم، آیه یک، داریوش و کورش با یکدیگر می‌ایستند تا زمان آخر را در سال ۱۹۸۹ مشخص سازند. هنگامی که بطلمیوس به بابل رفت و پادشاه شمال را در مصر در اسارت گرفت، در سال ۲۴۶ پیش از میلاد، و بدین‌سان به نوبه خود سال ۱۷۹۸ را، چنان‌که در آیات هفت تا نه بازموده شده است، به صورت نمادین مجسم ساخت، آن یک «زمان آخر» بود. آیه ده «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹ است.

۱۷۹۸ پایان دو هزار و پانصد و بیست سال پراکندگی وارد آمده بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل است که در ۷۲۳ ق.م. آغاز شد. هزار و دویست و شصت سال بعد، در ۵۳۸، پایت به مدت هزار و دویست و شصت سال حکومت کرد تا سال ۱۷۹۸. سال ۱۷۹۸ «زمان آخر» است، زیرا پایان هفت زمان، و نیز پایان هزار و دویست و شصت سال، همچنین هزار و دویست و نود سال مذکور در باب دوازدهم دانیال است. ۱۷۹۸ «زمان آخر» است، و بنابراین ۵۳۸ نیز «زمان آخر» است. ۵۳۸ پایان هزار و دویست و شصت سالی است که در طی آن بت‌پرستی قدغن خدا و لشکر او را پایمال کرد؛ و این پیش از آن بود که پایت همان عمل را برای همان مدت زمان انجام دهد.

۵۳۸ نمایانگر اقتدار یافتن پایت است، و بدین‌سان، بار دیگر نیز اقتدار یافتن پایت را در هنگام قانون یکشنبه نمایان می‌سازد. قانون یکشنبه یک «زمان آخر» را مشخص می‌کند. از این‌رو، آیه شانزده، همچنین آیه یک، آیات هفت تا نه، و آیه ده، همگی «زمان آخر» را نشان می‌دهند. این حقیقت را کسانی باید دریابند که می‌دانند پیام‌ها را در چه زمانی باید جای‌دهی کنند. پومپه هنگامی که اورشلیم را تصرف کرد، آیه شانزده را تحقق بخشید. پس از او ژولیوس سزار، آگوستوس سزار، و تیرریاس سزار آمدند. تولد عیسی یک «زمان آخر» بود و در ایام آگوستوس سزار رخ داد.

پس در جایگاه او برپا خواهد خاست کسی که خراج‌گیرنده‌ای را از جلال پادشاهی بگذراند؛ اما در اندک روزها هلاک خواهد شد، نه در خشم و نه در جنگ. دانیال ۱۱:۲۰.

آیت بیستم فهرست «زمانه انجام» میں اضافہ کرتی ہے جو باب گیارہ میں مذکور ہے، اور اسی طرح طیبیریس قیصر بھی، جس نے مسیح کے مصلوب کیے جانے کے وقت حکومت کی۔

و در جای او شخصی خوار و فرومایه برخواهد خاست که شأن و جلال پادشاهی را به او نخواهند داد؛ اما او به آرامی و بی‌هیاهو داخل خواهد شد و پادشاهی را به وسیله تملّقه‌ها به دست خواهد آورد. و بازوان سیلاب‌آسا از حضور او جاروب خواهند شد و درهم شکسته خواهند گشت؛ آری، حتی رئیس عهد نیز. دانیال ۱۱:۲۲، ۲۳.

صلیب در مرکز هفته نبوی‌ای قرار دارد که مسیح آمد تا آن را با بسیاری استوار سازد.

او با بسیاری برای یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت؛ و در نیمه هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد، و بر بال رجاسات، ویران‌کننده‌ای خواهد آمد، تا زمان اتمام؛ و آنچه مقرر شده است بر آن ویران فرو ریخته خواهد شد. دانیال ۹:۲۷

در میانه هفته، برای نخستین هزار و دویست و شصت روز، هم آغاز داریم و هم پایان؛ آن نخستین هزار و دویست و شصت روز دقیقاً در همان‌جایی پایان یافت که هزار و دویست و شصت روز بعدی آغاز شد. این هفته با هفت زمان پراکندگی بر ضد پادشاهی شمالی منطبق است، پادشاهی‌ای که هم بت‌پرستی و هم پاپ‌گرایی را نمایندگی می‌کرد که مقدس و لشکر را پایمال ساختند.

سپس شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیس معینی که سخن می‌گفت، گفت: «این رؤیا درباره قربانی دائمی و تقصیر ویران‌کننده، که هم مقدس و هم لشکر را به پایمال شدن می‌سپارد، تا به کی خواهد بود؟» دانیال ۸:۱۳

538 «زمان پایان» است و با صلیب هم‌راستا می‌شود، که آن نیز پایان یک دوره نبوی است. 538 صلیب دو شاهد فراهم می‌آورند بر این که هم آغاز و هم پایان یک نبوت، به‌طور نبوی به‌عنوان «زمان پایان» مشخص شده است.

آیات بیست‌ویک و بیست‌ودو، آیه بیست، آیه شانزده، آیه ده، آیات هفت تا نه، و آیه یک، همگی «زمان آخر» را مشخص می‌کنند. آیه بیست‌وسه اتحادی را شناسایی می‌کند که یهودیان مکابی در سال‌های 161 تا 158 پیش از میلاد با روم بت‌پرست برقرار کردند. تاریخ دودمان حسمونی از نخستین نبرد ایشان تا پایان‌شان در ویرانی اورشلیم در سال 70 میلادی، نمایانگر پروتستان‌تیسیم مرتد در ایالات متحده از آغاز سال 1844، یعنی پایان یک نبوت زمانی و بنابراین «زمان آخر»، و پایان‌یافته در قانون یکشنبه، چنان‌که با سال 70 میلادی نمود یافته است، می‌باشد.

آیه بیست‌وسه «زمان آخر» را در سال ۱۶۷ پیش از میلاد، در نبرد مودعین، و نیز در سال ۷۰ میلادی مشخص می‌کند؛ هر دو نیز به‌ترتیب نمونه ۱۸۴۴ و قانون یکشنبه هستند. آیه بیست‌وسه، آیات بیست‌ویک و بیست‌ودو، آیه بیست، آیه شانزده، آیه ده، آیات هفت تا نه، و آیه یک، همگی «زمان آخر» را مشخص می‌کنند.

آیه بیست‌وچهارم، برتری سیصد و شصت‌ساله روم بت‌پرست را مشخص می‌سازد و بدین‌سان هم آغاز آن را در 31 BC و هم پایان‌ش را در 330 به‌عنوان «زمان پایان‌ها» معین می‌کند. آیه بیست‌وهفتم و آیه بیست‌ونهم نیز هر دو آغاز و انجام آن دوره را مشخص می‌کنند؛ از این‌رو آیه بیست‌وچهارم، آیه بیست‌وهفتم، آیه بیست‌ونهم، آیه بیست‌وسوم، آیات بیست‌ویکم و بیست‌ودوم، آیه بیستم، آیه شانزدهم، آیه دهم، آیات هفت تا نه، و آیه نخست، همگی «زمان پایان» را نشان می‌دهند.

آیه سی‌ویک، سال ۵۳۸ را مشخص می‌سازد، هنگامی که مکروه ویرانگر برقرار گردید؛ و آیات سی‌وشش و چهل، سال ۱۷۹۸ را به‌عنوان «زمان آخر» مشخص می‌کنند. سال ۵۳۸ در آیه سی‌ویک و سال ۱۷۹۸ در آیات سی‌وشش و چهل، همچنین آیات بیست‌وهفت و بیست‌ونه، آیه بیست‌وچهار، آیه بیست‌وسه، آیات بیست‌ویک و بیست‌ودو، آیه بیست، آیه شانزده، آیه ده، آیات هفت تا نه، و آیه یک، همگی «زمان آخر» را نشان می‌دهند.

«زمان آخر» پیش از آیه چهل‌ویک—که همان قانون یکشنبه و نیز «زمان آخر» دیگری است—سیزده بار مشخص شده است؛ چنان‌که آیه چهل‌وپنج نیز هنگامی است که پاپ به پایان خود می‌رسد و کسی نیست که او را یاری دهد. «زمان آخر» پانزده بار در باب یازدهم جای داده شده است. مضمون آیه ده «زمان آخر» است. این، نمایانگر حقایقی است که در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار، گشوده می‌شوند.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.